

مروری بر کتاب‌های منتشر شده در قلمرو حقوق عمومی و قوانین شهروندی

حقوق آدم‌ها لای کتاب‌ها

| پژوهش و تدوین: فاطمه رحمدل، رویا فیلی، جمشید تحیری، رضا معاریان |

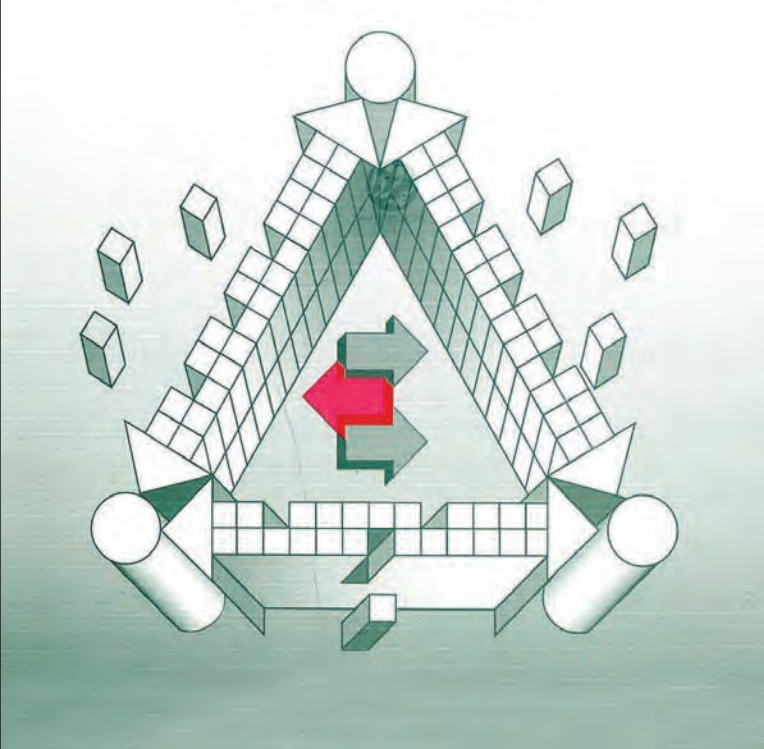
تئوری‌های سازمان و مدیریت

هربرت جی. میکس - سی. ری گولت

جلد دوم

عناصر و فرآیندها

ترجمه و نگارش: دکتر گوئل کهن



می‌خواهیم اما نمی‌شود؛ چرا؟ مشکل چیست و کجاست؟ یکی از پایدارترین فرآیندهای جامعه بشری، فرآیند شهرنشینی است. هنگامی که شهرنشینان به حقوق یکدیگر احترام گزارده و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند می‌توان آنها را «شهروند» نام نهاد. روی آوردن سیل‌وار آدمیان به شهرها، انبوهی و ازدحام جمعیت شهرها را با مشکلات متعددی نظیر زیست‌محیطی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی روبه‌رو ساخته‌است. معضل‌های بزرگ شهری مانند ترافیک، رعایت‌نکردن قوانین عبور و مرور و... از سوی شهروندان که علاوه بر گسترش زمینه‌های بی‌اعتمادی میان شهرنشینان در پارهای مواقع میل به قانون‌گریزی را در جوامع دامن زده است. پس لازمه حل مسائل شهری و بحران‌ها، اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشینی است، همه‌اجزای جامعه باید با در نظر گرفتن قوانین و فرهنگ شهری و نقش و مسئولیت خود نسبت به جامعه سعی کنند تعادل لازم را در نظام شهری به وجود آورند. از این رو به معرفی مجموعه کتاب‌هایی در این زمینه می‌پردازیم. هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر، نیازمند برقراری روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است، به‌طور معمول ریشه بسیاری از بحران‌های بزرگ و زنجیرهای را باید در ضعف فرهنگ بومی و محله‌ای دنبال کرد، خصوصی شدن اوقات فراغت، کاهش ارتباط بین افراد و نبود زمان و فرصت کافی برای تخلیه ناشی از مشکلات در زندگی روزانه گسترش یافته و بر ایجاد تشدید بحران‌های شهری موثر واقع شده است. پس لازم‌محل مسائل شهری و بحران‌ها، اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشینی است.

جمهوری اسلامی شده است. مترجم و نویسنده کتاب تئوری‌های سازمان و مدیریت از دلسوزان فرهنگ‌یاران و سرزمین و تمدن کهنسال ایران است. او با دلسوزی زایدالوصفی که نسبت به سرزمین مادری دارد، روی مسائلی که می‌تواند جامعه ما را تبدیل به یک جامعه

در رنگ شهروند | این که می‌گویند زندگی سالم اجتماعی در سایه رعایت اخلاق و حقوق شهروندی می‌تواند اتفاق بیفتد، چندان هم دور از ذهن نیست. این اتفاق می‌تواند بیفتد اگر ما بخواهیم. اما ما چطور و چگونه می‌توانیم چیزی بخواهیم که شناختی از آن نداریم؟ آیا اصولا خواستنی چیزی بدون شناخت آن چیز امکان‌پذیر است؟ آیا می‌توانیم به دنبال داشتن چیزهایی باشیم که شناختی از آنها نداریم؟

زندگی سالم اجتماعی ترکیب ۳ واژه با یکدیگر است: زندگی، سالم، اجتماع. می‌خواهیم بپرسم مگر امکان دارد کسی زندگی سالم انتخاب کند یا یک اجتماع، در پی کسب زندگی سالم باشد؟

شاید. همه چیز امکان دارد. در دنیایی که انسان دو پا آن را رقم می‌زند، هر اتفاقی می‌تواند بیفتد و هیچ اتفاقی تازه نیست. چرا تازه نیست؟ چون پیش از اینها نیز اتفاق افتاده است.

در این میان یک اتفاق همواره تازه می‌ماند و آن، کشف است. کتاب خوانندگی می‌تواند اتفاق کشف‌ها را در زندگی ما بیشتر و بیشتر کند. حالا اگر از زندگی تان آن طور که باید رضایت خاطر ندارید، اگر دوست دارید تاثیر خوبی روی خود و همراهانتان در زندگی بگذارید، خواندن یک کتاب را به شما توصیه می‌کنیم. کتابی که می‌تواند تجربیاتی خوب را درباره زندگی، شهر، اجتماع و سلامتی جسم و جان به شما تقدیم کند. حالا این شما و این کتاب‌هایی که می‌تواند یک‌ه‌یک تمام با شما زندگی کنند، با ما باشید:

کتابی درباره معرفت سازمان مدیریت

حیرت‌انگیز تر از این موضوع نمی‌توان در عالم امکان و روزگار شهروندی متصور شد که مدیران یک جامعه، از جمله بزرگترین مشکلات آن جامعه به حساب آیند. اشتباه نفرمایید، درباره خودمان صحبت نمی‌کنیم درباره کشوری سخن می‌گوییم که مدیران بدی دارد و مدیران بی‌هیچ نیازی به تخصص و دانش و تحصیل علم و زحمت کشیدن، به مقامات بالا رتبه می‌رسند. اگر روی نقشه جوامع خوب دقت کنید، در ضلع جنوب‌شرقی اقیانوس آرام، در مختصات جغرافیایی



۲۹/۴۵ درجه عرض و ۷۲/۲۱ درجه طول شرقی یک نقطه وجود دارد که آن نقطه با آنچه که گفته‌ایم همخوانی دارد. حال، بحث این است که مدیریت در تربیت شهروندی خیلی موثر است. پیش از آن که به کتاب‌هایی که نهادهای کارکردهای نهادهای اجتماعی را به ما می‌آموزند برسیم، لازم می‌دانم اشاره‌ای کوتاه به دو کتاب پیرامون تئوری‌های سازمان و مدیریت داشته باشیم: این دو کتاب توسط دکتر گوئل کهن ترجمه و تدوین شده است. برخلاف کتاب‌هایی با این موضوع که گران و دیرباب و دیرفهم هستند، این دو کتاب بسیار روان و جذاب تحریر شده است. خواندن این کتاب به دانشجویان ایرانی در هر رشته و ترمی از اوجوب اجابت است. ناگفته نماند که این کتاب یکبار نیز کتاب‌سال

شیوه‌های زندگی با یکدیگر

باید در فکر برداشتن گام‌های اساسی و عملی در تحقق آن بود.

در کتاب حاضر چنین ترتیبی مهیا شده است که نخست دیدگاه‌های جدید در تربیت شهروندان، بررسی سنت‌های تربیت‌شهروندی در شرق و غرب، دیدگاه‌های مختلف درباره روش‌های آموزش شهروندی و... مطرح شده و سپس در ۳ فصل مجزا به طور آموزشی و شیوه‌ای و عام و موردپسند همه افراد جامعه به توضیح و تحلیل مباحث مرتبط و مهمی چون: «تعریف و چیستی تربیت‌شهروندی، برنامه‌ریزی، درسی تربیت‌شهروندی، مولفه‌های تربیت‌شهروندی» و «چگونگی شیوه اجرای آنها» پرداخته شده است.

مقدمه عمیق و چند صفحه‌ای این کتاب به قلم یکی از اساتید رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه شهیدبهشتی نگاشته شده

است، که این استاد موضوع کتاب یعنی، «تربیت شهروندی» را از مباحث مربوط به روانشناسی تربیتی به‌شمار آورده و تحقق چنین امر ضروری و خطیری را منوط به برداشتن گام‌هایی اساسی می‌داند.



همسایه یعنی کسانی که در خانه مجاور شما خانه‌ها می‌مجاور یا خانه شما زندگی می‌کنند. در زندگی شهروندی الزاما همسایه‌ها مانند ما فکر نمی‌کنند و طبیعتا مثل ما نیز زندگی نمی‌کنند. طبیعی است که نیازها، اخلاق، عرف و خواسته‌ها و رفتار همسایه‌ها ممکن است زمین تا آسمان با هم تفاوت داشته باشد اما آنچه که همه آدم‌ها

را زیر یک سقف می‌نشاند به نظر شما چیست؟ محمد جانفشان و رمضان علی خواجه نوشتند و کتابی با عنوان آداب شهروندی و روابط اجتماعی نوشته‌اند. این کتاب قابل‌خواندن است و نکاتی جالب را به ما می‌آموزد. به‌عنوان مثال آداب زندگی و رفتارهای رفتار اجتماعی در میان اقوام و ملل مختلف از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به‌طوری‌که از آغاز تولد کودک، سعی خانواده و جامعه بر این است که این آداب به کودک آموزش داده شود تا بتواند رفتارهایی

مطابق با رفتارها و ارزش‌های اجتماعی از خود نشان دهد. آثاری که از قدیم‌ترین اترها در مصر باستان، روم، ایران، یونان و چین به جامانده، حاکی از آداب و رسوم و پایدها و نیایدهایی است که هر فرد باید در طول دوره رشد و رسیدن به بلوغ جسمی و روانی، یاد بگیرد و جامعه‌انظار

تهران تهیه کنید و خودتان غواص این دریا یعنی دریای معرفت و مدیریت باشید.

از بسیاری جهت نهادهای اجتماعی از قدیمی‌ترین شیوه‌های نگرش در جامعه‌شناسی است. بسیاری از جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را علم به نهادهای اجتماعی، درحقیقت اسباب جامعه‌شناسی خود را مشخص کرده‌اند. امروزه با تخصصی شدن جامعه‌شناسی این مسأله دیگر به آن شکل مطرح نیست، چراکه نهادهایی مانند خانواده، سیاست، تفریح و... هر کدام در شعبه خاصی از جامعه‌شناسی (جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی اوقات فراغت) مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۱- نهاد خانوادگی نظامی است که به تنظیم، ثابت کردن و استاندارد کردن روابط جنسی و تولیدمثل انسانی می‌پردازد.

۲- نهاد آموزش و پرورش اساسا روند منظم اجتماعی شدن است که به‌نحو غیررسمی در خانه و در محیط کلی فرهنگی انجام می‌پذیرد.

۳- نهاد اقتصادی حالت متجسم مدل‌هایی است که از طریق آنها مواد و خدمات تولید می‌شود.

۴- نهاد سیاسی کارکردش بر طرف ساختن نیازهای اجراییات سیاسی و اداره امور مملکتی و حفظ نظم عمومی در جامعه است.

۵- نهاد مذهبی نقش اساسی اش از برای یک نیازمندی اجتماعی مهم انسان، یعنی در رابطه بودن با خداست. چهره این نهاد در اعتقادات و انجام مراسم مذهبی که افراد آنها را مرعات می‌کنند، دیده می‌شود.

۶- نهاد تفریحی پاسخگوی نیازمندی انسان در مورد استراحت و آسایش جسمی و روانی است.

اگر می‌خواهید بدانید که ویژگی‌های نهادهای اجتماعی چگونه است و در یک نهاد اجتماعی تقسیم وظایف به چه صورت شکل می‌گیرد، حتما فصل‌های اول تا سوم کتاب تئوری‌های سازمان و مدیریت جلد نخست و فصل چهارم جلد دوم این کتاب را مطالعه فرمایید.

به نظرم مسا می‌توانیم ویژگی‌های عمده نهادهای اجتماعی را با توجه به تجربه به متفکران این عرصه بازشناسی کنیم.

۱- نهاد ماندنی و دیرپاست و از هنگام تشکیل دارای درجه‌ای تا دناوم است.

۲- از آن‌جا که نهادهای بالنسبه دایمی هستند، معمولا تغییرات آنها تدریجی و آرام است و مقاومت آنها در مقایسه با گروه‌های اجتماعی در مقابل با دگرگونی‌های زمانه‌یسترات.

۳- نهادهای به‌طور کلی طرح‌ریزی نشده هستند، اما در مقام پاسخ‌دهی به برخی از نیازهای اساسی عمل می‌کنند.

۴- نهادهای دارای سمبل‌هایی هستند که برای حفظ وفاداری و پیوستگی اعضای آن به کار می‌آیند (مانند بیرق یک کشور یا علامت صلیب‌برای مسیحیان).

۵- نهادهای دارای قوانین رسمی هستند که از طریق آن ابیاضی رفتارها و رفتارهای اعضای آن مشخص می‌شود مانند سوسنگدوفاداری نمایندگان مجلس و ضابطه‌های اخلاقی در علم و آموزش و پرورش.

۶- نهادهای دارای درجات متفاوتی از ساخت هستند. نهادهای را می‌توان در طیف گسترده‌ای از ساخت‌های خشک و خشن یا قابل‌انعطاف قرار داد.

۷- نهادهای در عملکردهای خود کارکردهای متنوعی دارند.

۸- نهادهای مختلف اجتماعی در نظام از وابستگی درونی متقابل یا یکدیگر مرتبط هستند.

همسایگان در زندگی شهروندی

دارد که فرد مطابق با این الگوها عمل کند. آثاری چون: کلیله و دمنه، قابوسنامه، سیاست‌نامه، گلستان و بوستان سعدی، مرزبان‌نامه، قرآن کریم و همچنین سایر کتاب‌ها و رساله‌های دینی. و اگر آداب و رسوم، سنت‌ها، رفتارها و روش‌های رفتار را جزو فرهنگ بدانیم، آنگاه متوجه می‌شویم که برای زندگی در یک جامعه، رعایت اصول رفتاری آن جامعه تا چه اندازه

مهم است و در اجتماعی شدن فرد چه نقش مهمی دارد. این نکته نیز قابل‌یادآوری است که هر جامعه با جوامع دیگر، هنجارها و ارزش‌های مشترک و غیرمشترک دارد. بعضی رفتارها در یک جامعه پسندیده است و همان رفتار در جامعه دیگر خوشایند نیست. با توجه به اهمیت آداب رفتاری و ادب اجتماعی، فرهنگ‌سازی باید از همان سنسین نوجوانی و جوانی آغاز شود، کتاب فوق، مجموعه‌ای از آداب رفتار اجتماعی و حقوق شهروندی را در ساده‌ترین شکل ممکن برای آموزش به



کودکان و نوجوانان فراهم کرده تا هم مورد استفاده پدران و مادران قرار گیرد و هم نوجوانان عزیز با مطالعه آن به توقعات جامعه خود بی‌برزند. آداب بیان شده در این کتاب عبارتند از: آداب سلام کردن، آداب عیادت بیمار، آداب دست دادن، آداب بحث و گفت‌وگو، آداب دوستی و...

با حسن محمودی به بهانه انتشار اولین رمانش «روضة نوح»

چیزهای زیادی که نمی‌دانیم

| ضحی کاظمی |

آبباری می‌شود و بعد از شهادت نوح و ریخته شدن کامل خون او، درخت خرما، حسایی جان می‌گیرد. در مورد این سمبل‌ها اگر ممکن است توضیح دهید. درخت گارم زنگی، حکم التیام دهنده را دارد و از خانه مهاجر جنگ زده سردر در می‌آورد که جنگ زندگی ششان را ویران کرده و آنها را آواره می‌کند. این را هم توجه داشته باشید که این دو مورد به‌طور دقیق، سمبل‌هایی است که در رمان «روضة نوح» ساخته می‌شود و مختص به این رمان است.

برمی‌گردد به سلیمه و به جبهه غرب که نوح به آن جاعزام می‌شود؛ فصل صبر ایوب صفحه هشتاد

به بعد. در این جا تعدادی زن منافق یک اتوبوس از مردان جوان را سر می‌برند و تکه تکه می‌کنند.

می‌دانیم که داستان همواره باید در مرز بین باورپذیری و جذابیت قرار بگیرد. گاهی در زندگی واقعی اتفاقاتی می‌افتد که اگر عیناً آنها را در داستان

بیآوریم، باورپذیر نخواهند بود. این صحنه را دیدگاه مخاطب هر چند بسیار جذاب است، غیر عادی و غیرواقعی به نظر می‌رسد. گویی نویسنده بیشتر از این‌که به باورپذیری آن اعتنا داشته باشد، جذابیت صحنه را مدنظر داشته است. لطفا در این باره توضیح دهید.

این بخش از رمان با جزو ردهای متفاوتی داشته است. در نقد مکتوبی نیز همین نظر شما را خواندم. این فصل واقعه را نوع روایت می‌کند. نوع، روای این واقعه است و ناظر و شاهد واقعه کسی دیگر است. نوح آنچه را روایت می‌کند به واسطه شنیده است. هدفش از روایت این واقعه برانگیختن حس و حال خودش و دیگران است. نوح در این فصل واقعه خوانی می‌کند. مثلت هاهمین کار می‌کند.

دوباره برمی‌گردد به جبهه غرب و شخصیت سلیمه و زن‌هایی که را احتی آب خوردن، سر می‌برند. همین‌طور اشاره می‌کنم به نقش فداکار و مادرانه

لیلا، نقش اغواگرانه جواهر، نقش خواهرانه حوا، نقش مظلوم قربانی سوسن و دیگر زنان داستان. در جبهه غرب زنان شیطانی هم به دیگر نقش‌های

از پیش تعیین شده یا کلیشه‌ای زنان اضافه می‌شوند. اصلا چرا این جازن‌ها را این‌طور شیطانی به تصویر کشیده‌اید؟ باورپذیر تر نبود اگر به جای

زن‌ها از مردان استفاده می‌کردید؟ اصرا را شما برای دو قطبی کردن سایه و سفید نشان زن‌ها که یا مادر و خواهر فداکارند یا اغواگر و شیطان صفت، چیست؟

قبول کنید که زن‌ها هم بر برخی وقت‌ها شیطانی عمل می‌کنند اما احدا آنگاه کنیید در سوره، نامش لوزه بر تن زنان دیگر می‌آیند. در عراق همین روها هم نمونه این زنان هستند. در مقابل این زنان شرور، زنان مظلوم هم هستند. از اتفاق زن‌ها در داستان‌های من، بیشتر مادر و خواهرند و همان احساس فداکارانه و خواهرانه را دارند. چرا نمی‌خواهید قبول کنید بخشی از خشونت جهان را زن‌ها رقم می‌زنند.

در آخر به پایان‌بندی داستان برمی‌گردم. تا قبل از فصل آخر «آدم‌ها با داستانی متفاوت درباره جنگ

و مفهوم شهید و شهادت و تقدس گری می‌منسوب به آن مواجه بودیم. مضمونی که کمتر جرات برداختن

به آن را دارند و بسیار ناب و مستودنی است. اما در دو صفحه آخر با دادن نمایی از سرنوشت هر یک از

آدم‌ها به خصوص سلیمه، گویی نویسنده وجدان عمومی و ایذناولوزی حاکم را وارد داستان می‌کند

و هر آرمی را به سزای اعمالش می‌رساند. آیا نویسنده در آخر داستان، یک باره مضمون را گم می‌کند؟ یا از ابتدا خواننده را فریب می‌دهد که با

داستانی با مضمونی متفاوت روبه‌رو است؟ لطفا درباره این‌ها نظر و سبب قضاوت‌گر و نگاه سبیه و سفید

در این قسمت توضیح دهید. چگونه است که این‌ها در پایان داستان است بر خلاف فصل صبر

ایوب، باورپذیری جای هر گونه جذابیت داستانی را می‌گیرد؟

در سرتاسر داستان تلاش کرده ام از روی بی طرف و گزارشگر استفاده کنم. من هیچ جا قضاوت درباره آدم‌ها نکرده ام. آنها را همان‌طور که می‌نشانم و باور داشته، روایت کردم. من متعلق به نسلی هستم که جنگ را با تمام وجود درک کرد.

نسلی که به جای آرمان‌های نسل قبل از خودش، احساس قوی تر بود. هنوز هم این مولفه در نسل

من نمود بیشتری دارد. تلا کردم فضای دهه شصت و هفتاد سال جنگ را منتقل کنم. البته آنچه من سعی

کردم روایت کنم، همان چیزی است که درک کرده ام. آدم‌هایی را به یاد دارم که به دفاع از کشورشان

باور داشتند. در عین حال نتوانستم از دلایسی مادرها را پاره‌های تن شان غفلت کنم. در پایان

داستان، دلم نمی‌خواست تکلیف آدم‌ها را مشخص کنم، بلکه می‌خواستم کمی بیشتر درباره شان

توضیح بدهم تا خواننده اندکی بیشتر درباره شان واقعیت زندگی اوست. من نخواستم بگویم به سزای

اعمالش رسید، بلکه خواستم به بخشی از تاریخ اشاره کنم و زندگی این آدم‌ها را باورپذیرتر کردن،

مستندش کنم. من فقط اشاره کرده ام که این آدم‌ها سرنوشتش به کجا ختم می‌شود و فکر کنم گزارش تکمیلی

از این آدم‌هاست و نه قضاوت درباره شان. البته به جز شما دیگرانی نیز بر فصل پایانی این گرفته‌اند. اگر بازتاب را قبیل از انتشار رمان می‌گرفت، شکلی دیگر به آن می‌دادم.

